

تعامل علوم انسانی و جامعه: بررسی رویکردها و تجارب ملی و جهانی

غلامرضا ذاکر صالحی

به اعتقاد محققان اتحادیه اروپا امروزه به دلیل تخریب‌های صورت گرفته در محیط زیست طبیعی و انسانی، پیشرفت در دانش و فناوری به بدبینی روبه‌رشد انجامیده و تلاش برای کسب دانش دیگر شورمندی چنددهه پیش را ندارد. گسترش علم جدید بر پایه توافق نامرئی بین علم و مؤسسات مسئول (دانشگاه‌ها- صنایع-دولت‌ها) از یک سو و بین مردم و جامعه از سویی دیگر می‌باشد. اکنون ضروری است که روابط جدید متناسب با قالب جدید علم، فناوری و جامعه پایه‌ریزی گردد. (اتحادیه اروپا، ۲۰۰۰).

موضوع رابطه علم و جامعه از چنین تجارب و رویکردهایی زاییده شده است و عمدتاً خاص کشورهای است که دارای پایگاه تثبیت‌شده‌ای در علم و فناوری هستند. هدف برنامه‌های علم و جامعه کاستن شکاف ارتباطی بین دانشمندان و مردم است. بدین منظور چهار نوع هدفگذاری را می‌توان در کشورهای مختلف شناسایی کرد:

۱- گسترش و تعمیق مفهوم علم و نوآوری علمی در عرصه عمومی

۲- ایجاد تعامل مستقیم و چهره به چهره میان دانشمندان و مردم عادی

۳- آشناسدن مردم با پیشرفت‌های تازه و تازه‌های علمی در جهان

۴- فراهم سازی موقعیت برای تعامل نزدیک میان مردان سیاست و دانشمندان

به نظر می‌رسد برای مطالعه سیاست‌ها و برنامه‌های علم و جامعه در حوزه علوم انسانی باید به چند حوزه توجه کرد:

- متن‌های سیاستی و منشورها و راهبردهای مکتوب

- مراکز و نهادها و شوراهای

- نهادهای بین‌المللی

- رویه‌های ناشی از فرهنگ‌ها و عرف‌ها و رسوم

- عملکردهای واقعی در صحنه عمل با توجه به تفاوت فرهنگ‌ها و کشورها

- در نهایت توجه به شباهت‌ها و نقاط اجماع در همه کشورها در حوزه ارتباط علم و جامعه.

بررسی منشورها و اسناد تهیه شده در کشورهای پیشرفته هم چنین یک مطالعه تطبیقی نسبتاً جامع می‌تواند به همه موارد گفته شده توجه و اطلاعات مفیدی را در اختیار برنامه‌ریزان قرار دهد. علیرغم اینکه کشور ما درونمایه‌های عمیق فرهنگی دارد و در زمینه علوم انسانی جامعه‌گرا نیز آموزه‌های ایرانی-اسلامی خوبی وجود دارد، اما هنوز مطالعه جامعی در این خصوص به انجام نرسیده است. در کشورهایی که علوم انسانی مدرن در سده اخیر توسعه یافته است برنامه‌هایی برای گسترش تعامل علم و جامعه تدوین شده که متولیان امر در ایران عمدتاً از مفاد آنها بی‌خبرند.